

تأکید تولیت آستان قدس رضوی بر توجه مسئولان کشور به ظرفیت‌های اقتصادی مغفول مانده مناطق موقوفه‌دار

سرخس باید الگوی عمران و آبادانی باشد



۲

درباره نقش مهم سیدمحمد رضوی، عالم نامدار عصر قاجار در دفاع از مشهدالرضا(ع)

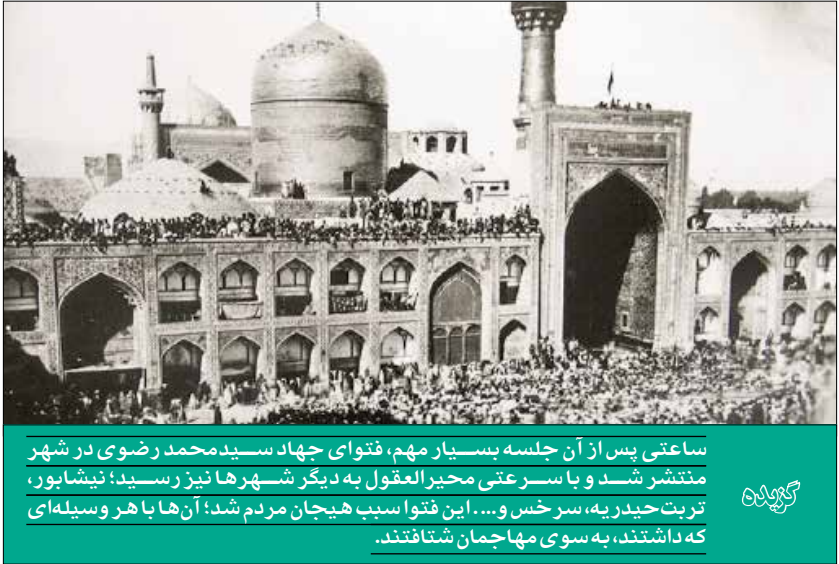
صدور فتوای جهاد در «دارالضیافه»

دیگر شهرها نیز رسید؛ نیشابور، تربت‌حیدریه، سرخس و... این فتوا سبب هیجان مردم شد؛ آن‌ها با هر وسیله‌ای که داشتند، به سوی مهاجمان شتافتند. نخستین گروه از نیروهای خویه، در نزدیکی تربت‌جام با جمعی از نیروهای دولتی که با جمعیت قابل توجهی از مردم عادی همراه بودند، روبه‌رو شد و در این رویارویی، شکست سختی خورد. با انتشار بیشتر خبر فتوای جهاد، شرایط برای حضور مهاجمان سخت‌تر شد؛ حملات شبانه به آن‌ها افزایش یافت و حالا این نیروهای غارتگر بودند که دیگر احساس امنیت نمی‌کردند. به همین دلیل، خان خویه فرمان عقب‌نشینی صادر کرد و نیروهایش را به سرعت از خراسان و نزدیکی شهر مشهد عقب برد. به این ترتیب، پیروزی بزرگ مردم در پرتو فتوای جهاد یک عالم شجاع رقم خورد و در تاریخ ماندگار شد. سیدمحمد رضوی چند سال بعد

مردم به جهاد می‌توانست راهکار مؤثری باشد؛ اما چه کسی باید فتوای جهاد صادر کند. برخی از علما به دلایل مختلف از صدور چنین حکمی ابا داشتند. اما سیدمحمد بدون معطلی اعلام کرد: «من حکم جهاد صادر خواهم کرد».

■ تأثیر آن حکم تاریخی

سیدمحمد رضوی، زاده سال ۱۱۴۵ خورشیدی در شهر مشهد بود؛ یکی از سادات بنام شهر و محل اعتماد و احترام همه مردم؛ از شاگردان سیدمهدی بحرالعلوم و شیخ‌جعفر نجفی مشهور به «کاشف‌الغطاء» که سال‌ها در حوزه‌های علمیه نجف و کربلا درس خوانده و به درجه اجتهاد رسیده بود. او پس از توقف در اصفهان و چند شهر دیگر، به زادگاهش بازگشت و در مدت کوتاهی به دلیل رسایی بیان و گستره اطلاعات فقهی و دینی، به



به سفر حج رفت؛ اما هنگام بازگشت، دچار بیماری سختی شد. به ناچار او را به قم منتقل کردند و چون توان حرکت نداشت، مدتی را در این شهر به سر برد تا اینکه در سال ۱۲۵۵ق / ۱۲۱۸ش، پنج سال پس از صدور آن فتوای تاریخی، در ۷۵ سالگی دار فانی را وداع گفت. پیکرش را پس از انتقال به مشهدالرضا(ع)، در روضه منوره، نزدیک ضریح مطهر به خاک سپردند.

مجتهد اول شهر مشهد میل شد. سیدمحمد نقش مهمی در پس گرفتن موقوفه‌هایی داشت که به دلیل سهل‌انگاری حکومت، توسط برخی افراد سوءاستفاده‌گر تصرف شده بود. حالا و در این شرایط بحرانی، او به عنوان عالمی شجاع و آگاه، در وسط میدان مبارزه قرار داشت. ساعتی پس از آن جلسه بسیار مهم، فتوای جهاد سیدمحمد رضوی در شهر منتشر شد و با سرعتی محیرالعقول به

■ محمدحسین نیکبخت

فتحعلی‌شاه قاجار پس از ۳۶ سال سلطنت تروأم با اتفاقات تلخ و از دست رفتن بخش‌های وسیعی از خاک ایران، درگذشت و محمدمیرزا فرزند عباس‌میرزا به قدرت رسید. اما از همان ابتدا پیدا بود که با وجود مدعیان سلطنت در گوشه و کنار کشور و ضعف مفرط حکومت مرکزی نمی‌توان امیدی به برقراری امنیت در مرزها داشت. در چنین شرایطی، خان خویه (خوارزم) به طمع غارت خراسان و نفایس خزانه آستان قدس رضوی، به سوی مشهد لشکر کشید و با ۳۰ هزار سوار، خودش را به مرزهای خراسان رساند. ترس و وحشت ناشی از این لشکرکشی موجب بروز هرج و مرج عجیبی در اطراف مشهد، شهرها و روستاهای مجاور آن شد. بسیاری از مردم، ناتوان از دفاع در برابر آن لشکر جزّار، به حرم مطهر رضوی پناه آوردند.

■ حکم جهاد می‌دهم

پاییز آن سال، سردتر از سال‌های پیش بود و برگ‌های درختان زودتر از همیشه به زردی گرایید. خبرهایی که به مشهد می‌رسید، امیدوارکننده نبود؛ سپاه خان خویه هر لحظه به مشهد نزدیک‌تر می‌شد. شایعاتی مبنی بر کشتار و غارت روستاهای اطراف هرات و تربت‌جام، در مشهد منتشر شده بود و همین مسئله به وحشت عمومی دامن می‌زد. در چنین شرایطی، شورایی مرکب از عوامل حکومتی مشهد و علمای نامدار شهر، در محل «دارالضیافه» حرم مطهر رضوی تشکیل جلسه داد تا درباره خطری که زائران و مجاوران را تهدید می‌کرد، چاره‌ای بیندیشند. مهم‌ترین نگرانی موسی‌خان، حاکم خراسان، کمی تعداد نیروهای نظامی بود؛ مدافعان شهر زیاد نبودند و نمی‌توانستند حتی در قلعه‌بانی، کار زیادی از پیش ببرند. این مشکل حاد در آن جلسه مطرح و از حاضران خواسته شد راهکاری ارائه کنند. در تالار دارالضیافه، سکوت مطلق حکمفرما بود. ناگهان صدای رسای یک عالم، آن سکوت دهشتناک را شکست. سیدمحمد رضوی، مجتهد مشهور شهر سر بلند کرد و خطاب به حاضران گفت: «اسلام در چنین شرایطی، جهاد را بر همگان، حتی بر زنان هم واجب کرده است. چرا مردم را به جهاد دعوت نکنیم و از این قوه اسلامی بهره‌مند نیاشیم؟» با شنیدن این سخن، گره از چهره حاضران گشوده شد؛ دعوت

ترحم تحویلم نده لطفاً.

بغضم را قورت می‌دهم و می‌گذارم برای بعد. می‌گویم: از وقتی می‌شناسمت تا چهار تا چنگال کیک رو زهر نکتی، بی‌خیال نمیشی. والا قیافه اینقدی مهم نیست که اخلاق داغون، مهمه. مثل همان وقت‌ها نگاه می‌کند که ذهنش شلوغ است. کیک و قهوه‌اش دست نخورده مانده. با لبه فنجانش ور می‌رود و می‌گوید: پزشکم از شرایط راضیه. اما چیزی که هست، برخورد اطرافیانِه باهام. میدونی تو این مدت، دوری و

رقیه توسلی | بی‌هوا می‌گوید: «زن بی‌مو را چه به گوشواره! خنگ خدا!» و جعبه هدیه «رعنا» را هل می‌دهد وسط میز. نگاهم می‌چسبد به جعبه سفید. مراقب رفتارم هستم. نمی‌خواهم سرسوزنی دل «مرجان» بشکند. ۱۱ ماه عذاب‌آور است که دوره شیمی‌درمانی را می‌گذرانم! اما مادری‌اش را تعطیل نکرده و با سماعت و روحیه، کارش را هم کشانده توی خانه. حالا توی کافه، همان طور که جلویم نشسته، دست می‌برد سمت صورتش و می‌پرسد: داغونم... ها؟ فقط مثل بقیه

نیمکت زنده‌گی

فردا روز دیگری است

ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۳۶۳ |

موعظه آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی

ریشه دین
باید عقل باشد
نه احساس

۲

گفت‌وگو با زوج سالمندی که در یازدهمین دوره جشنواره کتاب خوانی رضوی برگزیده شدند

کاش جایزه جشنواره کتاب خوانی
زیارت امام رضا (علیه السلام) بود

۴

آخرین اخبار از جزئیات انتقال پیکر استاد مهدوی دامغانی به مشهد در گفت‌وگو با حسین دامغانی

بی تاب زیارت امام رضا (علیه السلام) بود

۲

واکنش ستاد اقامه نماز به آنچه در برنامه «طیب» گذشت

۳

نمایشگاه

«نبض حروف» در نگارخانه رضوان



به همت مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی، نمایشگاهی از آثار منتخب سیدحسین فدایی، هنرمند خوشنویس ساکن خوزستان با عنوان «نبض حروف» در نگارخانه رضوان مشهد برپا شد. فدایی در خصوص برگزاری این نمایشگاه گفت: ۵۰ تابلو خوشنویسی و نقاشیخط در ابعاد مختلف در این نمایشگاه در معرض بازدید قرار گرفته است. چون من در گذشته از جمله هنرجویان دوره بورسیه هنری مکتب هنر رضوان مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در رشته خوشنویسی بودم، پیشنهاد برگزاری این نمایشگاه را به این مجموعه دادم که مورد موافقت قرار گرفت و آثارم را از اهواز به مشهد ارسال کردم. وی با اشاره به اینکه بیش از ۳۰ سال سابقه فعالیت در رشته خوشنویسی در رشته‌های نسخ و ثلث به ویژه نستعلیق را دارد، گفت: سعی کردم در آثارم کشش و انرژی درونی خط نستعلیق را نشان دهم تا مخاطب علاوه بر دیدن تابلوها بتواند خوشنویسی را با حس‌های دیگر همچون لامسه درک کند تا جایی که حتی بخواهد به آن‌ها دست بزند. این مدرس خوشنویسی با بیان اینکه سابقه برگزاری چندین نمایشگاه در داخل و خارج از کشور از جمله در هلند و آلمان را دارد، ادامه داد: به طور معمول هنرمندان ساکن در هر منطقه جغرافیایی، بینش و نگاه خاص خودشان را دارند بنابراین برگزاری نمایشگاه در شهرهای دیگر موجب تعامل دوطرفه بین هنرمندان آن شهرها و آشنایی آن‌ها با این نگاه‌های متفاوت می‌شود.

منبر مجازی

زندگی چطور گلستان می‌شود؟



حجت‌الاسلام عباسی | در نامه

۳۱ نهج‌البلاغه، امیرالمؤمنین(ع) خطاب به امام مجتبی(ع) نکته‌ای را بیان می‌کنند که خلاصه آن این است: «همان جوری با دیگران برخورد کنیم که دوست داریم با ما برخورد شود». بین‌المللی‌ترین و عمومی‌ترین قاعده‌ای که من در اخلاق و تربیت پیدا کردم همین است. خیلی‌ها شاید این عبارتهای نورانی امیرالمؤمنان علی(ع) را کمتر شنیده باشند: «پسر دل‌بندم، خودت را میزان قرار بده بین خودت و بین دیگران». برای دیگران همانی را دوست بدار که برای خودت دوست داری... هر چیزی را که برای خودت خوشتر نمی‌آید برای بقیه هم خوشتر نیاید... اگر فقط همین عبارت را در متن زندگی خود بیاوریم و ناموس زندگی خود کنیم، زندگی چه گلستانی می‌شود... دوست داری چه طور با تو رفتار کنند، همان جوری با بقیه برخورد کن. دوست دارید به شما دروغ بگویند، دوست دارید نسبت به شما سوءظن داشته باشند؟

بی‌احترامی کنند... شما را مسخره کنند؟ ما از بچگی شنیدیم آن چیزی که برای خودت می‌پسندی برای دیگران هم پیسند. ولی از بس تکرار شده است، روی دیوار مدرسه دیدیم، در مسجد دیدیم، معلم دینی به ما گفته است، انگار عظمت خود را از دست داده است. اگر یک هفته در زندگی که پر از مشکل است همه تصمیم بگیرند همان جوری با دیگران در خانه برخورد کنند که دوست دارند دیگران با آن‌ها برخورد کنند خیلی از مشکلات برطرف می‌شود... بعضی مواقع که داریم در مورد دیگران قضاوت می‌کنیم می‌شنویم که آن‌ها هم درباره ما یک قضاوتی کرده‌اند و عصبانی می‌شویم... تمرین کنیم خودمان را در جایگاه دیگران قرار دهیم. تمرین کنیم نه فقط آن موقعی که یک مشکلی پیش می‌آید. بعضی وقت‌ها اصلاً تنها هستیم. با کسی ارتباطی نداریم. رابطه‌های خود را و حرف‌های خود را مرور کنیم. بعد خودمان را جای کسانی بگذاریم که این نوع رفتارها را با آن‌ها داشتیم. این نوع حرف‌ها را درباره آن‌ها زدیم. گاهی وقت‌ها شیطان همین جا می‌آید. خیلی وقت‌ها سادگی راهکارها سبب می‌شود ما از تأثیربخشی آن‌ها ناامید شویم... این را فراموش نکنیم شیطان دشمن ماست. حواس ما باشد دشمنی شیطان فقط یک جاهایی که ما احساس می‌کنیم گناه بزرگی می‌کنیم نیست... مثلاً فقط در دزدی کردن شیطان حضور ندارد... همه جا حضور دارد... این قدر دوستی‌ها و رابطه‌ها را به هم می‌ریزد... رابطه بین زن و شوهرها را به هم می‌زند... می‌خواهید سوءظن را کنار بگذارید می‌آید جلوشما می‌ایستد.

سنجاق

وَإِذَا مَرَضْتُ فَبُهِوْ يَشْفِين... و چون بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد (سوره شعرا)